

با تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر:

بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری تسریع می‌شود

گروه گزارش



و اتحاد شوروی سابق، بریتانیا و فرانسه، این نتیجه حاصل می‌شود که دریای خزر رژیم حقوقی دارد و طرفین این قضیه ایران و اتحاد جماهیر شوروی با حقوق مساوی، مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق، صاحب حق هستند.

در این سیستم که در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ هم به آن تأکید شده است. هر بخش، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب دریا به جزء ۱۰ مایل ماهیگیری، بین دو کشور مشترک است و تصرف و انتفاع از هیچ بخشی از آن در انحصار یک کشور نیست و حضور هر کشور بیگانه‌ای منوط به جلب رضایت کشورهای ساحلی صاحب حق خواهد بود. در مورد پرواز هواپیما بر فراز دریای خزر، در قراردادهای دو دولت ایران و شوروی سابق، به مسئله پرواز بر فراز دریای خزر اشاره‌ای نشده است که این امر، اولاً، ناشی از اوضاع و احوال زمان انعقاد قراردادهاست و ثانیاً، به دلیل محدود بودن دولت‌های ساحلی، مشکل خاصی به وجود نیامد و طرفین به روح کلی مشاع و مشترک بودن این دریا آگاهی داشتند. در خصوص رژیم کشتیرانی، آنچه از قراردادهای قبلی بین ایران و شوروی سابق به دست می‌آید، تا فاصله ده مایل دریایی از مرز، منطقه انحصاری ایران و شوروی محسوب می‌شود و کشور دیگر حق ندارد در منطقه مقابل بدون اجازه طرف مقابل، کشتیرانی نماید و حد فاصل بین آن دو منطقه، منطقه مشترک در نظر گرفته شده است و طرفین به طور مساوی دارای حق کشتیرانی می‌باشند.

اما وضعیت کشتی‌های جنگی چگونه است؟ در مقررات عهدنامه‌های فوق‌الذکر (قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) هیچ گونه تمایزی بین کشتی‌های تجاری و جنگی قائل نشده است و بدینسان به نظر می‌رسد انواع ناوهای جنگی طرفین برای کشتیرانی در دریای خزر آزاد هستند. سؤال دیگری که در مطرح می‌شود، آیا کشورهای غیر حاشیه دریای خزر، می‌توانند در دریای خزر از حق کشتیرانی برخوردار باشند؟ علی‌القاعده چنین حقی برای کشور ثالث وجود ندارد؛ ولی آیا کشورهای ساحلی می‌توانند به کشورهای ثالث، اجازه کشتیرانی بدهند؟ فصل سیزده عهدنامه بازرگانی و دریانوردی ایران و شوروی در این مورد چنین مقرر می‌دارد:

«طرفین... موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هایی به جزء کشتی‌های متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی یا متعلق به اتباع و دستگاه‌های بازرگانی و حمل و نقل کشوری، یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر

بیست و هفتمین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون حقوقی دریای خزر در روز ۱۸ و ۱۹ آبان ماه سال جاری در محل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد. این کارگروه مسئولیت تهیه دستور کار جلسه سران کشورهای حاشیه خزر را بر عهده داشت. قرار است اجلاس آتی سران کشورهای ساحل دریای خزر هفته آخر آبان ماه در باکو برگزار می‌شود.

منوچهر متکی در مراسم افتتاحیه این اجلاس گفت: «از نظر جمهوری اسلامی دریای خزر دریای صلح، دوستی و همکاری است». وی با اشاره به اینکه «اختصاص سهم مناسب و منصفانه برای هر یک از کشورهای ساحلی از اصول مسلم و مبتنی بر موازین بین‌المللی است که تضمین‌کننده صلح و ثبات پایدار در منطقه خواهد بود». متکی همچنین اظهار امیدواری کرد که ادامه مذاکرات در فضای سازنده با درک متقابل و بهره‌گیری از مبانی حقوقی موجود دریای خزر که مبتنی بر معاهدات سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و شوروی سابق است، کشورهای حاشیه این دریا به رژیم حقوقی جامعی دست پیدا کنیم که در برگیرنده حقوق و تکالیف کلیه کشورهای ساحلی و مبین چگونگی فعالیت در خزر باشد.

از سوی دیگر محمد مهدی آخوندزاده نماینده ویژه ایران در امور دریای خزر پیش از این اعلام کرده بود، ما درباره این رژیم معتقد به اصل «انصاف» هستیم و از توافقات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ سرسوزنی کوتاه نخواهیم آمد. سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در این خصوص گفت، نماینده جمهوری اسلامی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر تا حداکثر منافع کشور تأمین نشود با هیچ مدلی برای تقسیم‌بندی این دریا موافقت نخواهد کرد.

شایان ذکر است بر پایه اصل انصاف (Equity) و بر پایه پیمان‌های فوق‌الذکر، ایران خود را در سراسر دریای خزر دارای حقوق برابر می‌داند. به دلیل آنکه حقوق برابر و مشترک ایران و شوروی سابق ناظر بر تمامی گستره و پهنه دریا، بدون توجه به طول ساحل این دو کشور می‌باشد.

از مجموع مدارک و اسناد و سوابق موجود در بایگانی‌های وزارت امور خارجه ایران

شوروی سوسیالیستی سیر می‌نمایند، نمی‌توانند وجود داشته باشند.»

در مورد شیلات (ماهیگیری) علاوه بر آنچه که در بالا گفته شد، در سال ۱۹۲۷ قراردادی برای ماهیگیری بین ایران و شوروی در مورد دریای خزر امضاء شد که در آن توافق‌هایی برای ایجاد شرکت مشترک ماهیگیری و دادن امتیاز ویژه‌ای به آن، که مدت بیست و پنج سال اعتبار داشت، پیش‌بینی شده بود. برخی منابع نگران بودند که با انعقاد این قرارداد، روس‌ها بتوانند سلطه جدیدی بر دریای خزر کسب نمایند. ولی در سال ۱۹۵۳ ایران این قرارداد را تمدید نکرد و مهر پایان بر آن زد. از آن پس، ایران صلاحیت انحصاری ماهیگیری خودش در دریای خزر را اعمال نمود.

اما پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی جمهوری‌های جدید به طور رسمی در بیانیه آلمانی ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ مقید و متعهد بودن خود به مفاد معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و احترام به رژیم حقوقی موجود ناشی از حقوق بین‌المللی عمومی را مورد تأیید قرار دادند.

تمام دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع نیز اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین کردند و به موجب سند شماره ۴۷۵/۴۹ مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۴ و نظریه رسمی فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق جمهوری‌های جدید ساحلی دریای خزر هم باید معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را پذیرفته باشند. ولی تا کنون متأسفانه جمهوری‌های جدید علی‌رغم تعهدات رسمی و بر خلاف تمام موازین حقوق بین‌الملل، خود را نسبت به رژیم حقوقی موجود و معاهدات ایران و شوروی متعهد نمی‌دانند و با انعقاد قراردادهایی با شرکت‌های نفتی مفاد معاهدات فوق‌الذکر را نقض کرده‌اند.

روسیه و دیگر کشورهای ساحلی تلاش می‌کنند با لطیف الحیل ایران را از پیگیری حق مسلم ۵۰ درصدی از دریای خزر منصرف و ایران را به دریافت سهم کمتر متقاعد کنند. نظرات گوناگونی از سوی این کشورهای تا کنون اعلام شده که به اختصار عبارتند از: تقسیم هم زمان بستر و سطح آب بین ۵ کشور به صورت مساوی، تقسیم بر اساس حقوق بین‌الملل دریاها، بخش‌های ملی و تقسیم بستر و آزادی سطح دریا که در این صورت سهم ایران در کل دریای خزر به ترتیب ۱۶، ۲۰، ۱۱ تا ۱۳ و ۱۱ تا ۱۳ درصد می‌شود. لیکن با توجه به اینکه تحولات سیاسی در شوروی و تقسیم آن کشور ارتباطی به کشور ما ندارد و هرگز موجب نمی‌شود که ایران از حق خود در دریای خزر چشم‌پوشی کند. از سوی دیگر با توجه به پتانسیل تجزیه‌طلبی در جمهوری‌های ساحل دریای خزر و اینکه ممکن است هر روز کشور جدیدی در این منطقه ظهور پیدا کند و در نتیجه از سهم ایران در این دریا کاسته شود، که این امر به هیچ وجه قابل قبول نمی‌باشد.

اما مواضع روسیه در مورد دریای خزر را می‌توان در دو بخش: پیش از ۱۹۹۸ و پس از ۱۹۹۸ مورد بررسی قرار داد. روسیه تا سال ۱۹۹۸ بر اعتبار پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و اتحاد جماهیر شوروی و در واقع بر لزوم تداوم رژیم حقوقی مبتنی بر مشاع بودن دریای مازندران تأکید می‌کرد. این موضع روسیه با استقبال ایران روبه‌رو شد، ولی از آن رو که زبان چشمگیری متوجه شرکت‌های غربی که به ویژه در مناطق نزدیک به کناره‌های جمهوری آذربایجان دست به سرمایه‌گذاری‌های کلان زده بودند، می‌شد. مخالفت با آن بالا گرفت. برای برون رفت از این بن‌بست در نوامبر ۱۹۹۶ روسیه راهکاری پیشنهاد کرد که بر پایه آن هر کشور در مورد حوزه نفتی واقع در محدوده ۴۵ میلی از خط ساحلی خود صلاحیت انحصاری خواهد داشت. ولی در ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان موافقتنامه‌ای امضاء کردند و بر پایه آن تقسیم و مرزبندی بستر شمالی دریای مازندران را اعلام کردند و این دگرگونی همچون نقطه چرخشی در مواضع روسیه در مورد دریای مازندران شمرده می‌شود؛ زیرا در واقع از آن هنگام روسیه به گونه‌ای تقسیم دریای مازندران تن داده و با آن موافقت کرده است.

نگرشی وجود دارد. جمهوری آذربایجان خواهان آن است که تقسیم دریای مازندران به گونه بخشی انجام گیرد (سهم هر کشور پس از تقسیم، بخش ملی آن کشور شمرده شود) ولی روسیه می‌گوید که این تقسیم باید بر پایه قاعده منطقه‌ای باشد، یعنی در هر بخش تنها حقوق انحصاری بهره‌برداری، به هر کشور تعلق گیرد. موضع کنونی روسیه بر پایه رژیم حقوقی دوگانه و ترکیبی قرار گرفته است. در این رژیم هر کشور تا محدوده‌ای معین دارای دریای سرزمینی است و دیگر نقاط دریا از نظر کشتیرانی و ماهیگیری و ... میان همه کشورهای کرانه‌ای مشاع است، اما بستر دریا بر پایه «خط میانی اصلاح شده» باید میان کشورهای همسایه تقسیم شود و منابع نفت و گاز زید بستر دریا تا حد ممکن به گونه مشترک و مشاع بین دو کشور قرار نگیرد و هر یک از ذخایر بستر دریا در مالکیت یکی از کشورها باشد.

همان گونه که قبلاً هم متذکر شدیم بعضی از کشورهای حوزه دریای خزر، به دلیل منافع اقتصادی بیشتر، از تعیین رژیم حقوقی حاکم بر این دریا پرهیز دارند و خودسرانه به عقد قرارداد دو جانبه با کشورهای دیگر مبادرت می‌ورزند؛ در این میان، می‌توان از انعقاد قرارداد دو جانبه ترکمنستان با ایالات متحده و دیگر کشورهای خصوصاً اکتشاف، استخراج و انتقال نفت نام برد، و نیز قرارداد دو جانبه بین روسیه و قزاقستان در تقسیم منابع مشترک دریای خزر (در تیرماه ۱۳۷۷) که اعتراض برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را به دنبال داشته است.

«قراردادهایی که در دسامبر ۱۹۹۳ و سپتامبر ۱۹۹۴ به ترتیب توسط قزاقستان و آذربایجان با کنسرسیوم‌های نفتی غرب به منظور کاوش و بهره‌برداری از منابع نفتی زیر بستر مناطق دریایی روبروی سواحل این دو کشور به امضاء رسید، گویای تکروری دولت‌های قزاقستان و آذربایجان بود.» و این موضوعی یعنی لزوم اجتناب از ادوات یکجانبه و مغایر با منافع سایر کشورهای با دیگر توسط وزیر امور خارجه کشورمان در سخنرانی افتتاحیه بیست و هفتمین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون حقوقی دریای خزر مورد تأکید مجدد قرار گرفت.

اما به عنوان آخرین مطلب، نظر دکتر یوسف مولایی کارشناس حقوق بین‌الملل در این خصوص جهت اطلاع خوانندگان محترم آورده می‌شود. وی معتقد است که حق حاکمیت ۵۰ درصدی ایران در دریای خزر نادیده گرفته شده و بدون توجه به حقوق ایران بهره‌برداری‌ها از این دریا ادامه دارد. وی درخصوص جایگاه ایران در تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر گفت: در زمینه دریای خزر باید بحث در حیطه سهم ما از دریا نیست، بلکه بحث درباره حق حاکمیت است که از سوی دیگر کشورهای این حوزه نادیده گرفته شده است.

با توجه به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ که میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده هیچ زمانی درصد مشخصی برای دو کشور مطرح نشده و هیچ بحثی از اکتشاف و بهره‌برداری میان دو کشور نبوده است، بلکه موضوع حق حاکمیت ۵۰ درصدی ایران و شوروی بوده است. مولایی به موازنه بعد از فروپاشی شوروی اشاره کرد و گفت: به یکباره کشورهای چهارگانه‌ای از شوروی در حاشیه دریای خزر به وجود آمد و بخش‌هایی از دریای خزر را تقسیم و شروع به بهره‌برداری کردند. از جمله همین اقدامات معاهده‌ای میان قزاقستان و روسیه بود که حدود ۴۹ تا ۵۰ درصد از شمال خزر را میان خود تقسیم و بهره‌برداری از آن را آغاز کردند. این استاد دانشگاه در ادامه گفت: با انعقاد این گونه قرارداد، آذربایجان و ترکمنستان نیز بدین منوال عمل کرده و فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از بستر و کف دریا در نزدیکی مرزهای خود را آغاز کردند. وی با تأکید بر این که اگر بنا باشد این شرایط به صورت ۴ بر ۱ یعنی یک طرف ایران باشد و ۴ کشور طرف دیگر به ضرر ما تمام خواهد شد، گفت: بنا بر قراردادهای حاکم بر این دریا باید آن چهار کشور باقیمانده از شوروی سابق یک رأی داشته باشند و ما نیز یک رأی و اگر این را نتوانیم برای آنها جا بیندازیم، زبان کرده‌ایم. مولایی با اشاره به مذاکرات میان کشورهای اطراف این دریا گفت: باید مدل مذاکرات را از نو طراحی کرده و بحث از «اصل انصاف» که در دیوان بین‌المللی دادگستری جریان دارد تنها می‌تواند چند درصدی سهم ما را بالا و پایین کند در حالی که موضوع در این دریا فقط سهم و خط کشی نیست، بلکه باید به حق حاکمیت ایران توجه شود. به هر حال آنچه که مسلم است حقوق حقه جمهوری اسلامی در دریا خزر بر اساس قوانین و قواعد حقوق بین‌الملل باید به نحو مطلوب تأمین و از سوی کشورهای حاشیه این دریا محترم شناخته شود.